

Presenting a Policy Model in the Field of Dealing with Educational Crises in Public Universities of Tehran Province

Azadeh Joolaei, Baharak Shirzad Kebriya^{*}, Yalda Delgoshai, Fatemeh Hamidi Far

PhD student, Department of Higher Education Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

^{*}Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Educational Management and Higher Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: bshirzad 86@yahoo.com

Assistant Professor, Department of Educational Management and Higher Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Assistant Professor, Department of Educational Management and Higher Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

The present research was conducted with the aim of presenting a policy model in the field of dealing with educational crises in public universities of Tehran province. In terms of purpose, this research is applied, and in terms of the type of data, it is mixed (qualitative-quantitative) of the exploratory type, in which the qualitative part of the data is systematic and the quantitative part is descriptive-survey. The statistical population of the qualitative part was the academic and organizational experts, and in the quantitative part, all the faculty members of the public universities of Tehran province. The sample size in the qualitative part was 18 interviewees according to the principle of saturation and the purposeful sampling method and in the quantitative part 312 people based on the calculation of the sample size in structural equations among 8719 faculty members of the public universities of Tehran province and the sampling method Staged clusters were randomly selected. The data collection tool was semi-structured interviews in the qualitative part and a researcher-made questionnaire with 96 items taken from the qualitative part in the quantitative part. The method of data analysis in the qualitative part of thematic analysis and in the quantitative part included descriptive and inferential statistics (one-sample t-test and structural equation modeling). As a result, 96 primary concepts (open code) and 21 main concepts (core code) were obtained.

Keywords: Policy making, Educational crises, Public universities.

Citation: Joolaei, Azadeh; Shirzadkebriya, Baharak; Delgoshai, Yalda; Hamidifar, Fatemeh (2023). Presenting a Policy Model in the Field of Dealing with Educational Crises in Public Universities of Tehran Province. *Urban and Regional Policy*, 3(9), 35-50.

ارائه الگوی سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران

آزاده جولائی، بهارک شیرزاد کبریا*، یلدا دلگشایی، فاطمه حمیدی‌فر

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزش عالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول، استادیار، گروه مدیریت آموزش عالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: bsherezad 86@ yahoo.com

استادیار، گروه مدیریت آموزش عالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

استادیار، گروه مدیریت آموزش عالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نوع داده‌ها، آمیخته (کیفی - کمی) از نوع اکتشافی که در بخش کیفی داده بنیاد سیستماتیک و در بخش کمی توصیفی - پیمایشی بود. جامعه آماری بخش کیفی خبرگان آکادمیک و سازمانی و در بخش کمی کلبه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی استان تهران بودند. حجم نمونه در بخش کیفی ۱۸ مصاحبه شونده با توجه به اصل اشباع و روش نمونه‌گیری هدفمند و در بخش کمی ۳۱۲ نفر بر اساس محاسبه حجم نمونه در معادلات ساختاری از میان ۸۷۱۹ نفر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی استان تهران و روش نمونه‌گیری تصادفی خوش‌های مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته و در بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته ۹۶ گوی‌های برگرفته از بخش کیفی بود. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی تحلیل مضمون و در بخش کمی شامل آمار توصیفی و استنباطی (آزمون تی تک نمونه‌ای و مدلسازی معادلات ساختاری) بود. در نتیجه ۹۶ مفهوم اولیه (کدباز)، ۲۱ مفهوم اصلی (کد محوری) به دست آمد. یافته‌ها نشان داد پدیده سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران شامل سیاست گذاری عمودی و سیاست گذاری افقی؛ شرایط علی؛ تأمین منابع مالی، مشارکت فعال دانشجویان و اعضای هیئت علمی و ارتباط با بازار کار؛ زمینه‌ها؛ تجهیزات آموزشی، فرهنگ آموزشی و توانمندسازی کارکنان و اعضای هیئت علمی و در نهایت عوامل مداخله‌گر: سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود. با توجه به عوامل شناسایی شده، الگوی داده بنیاد سیستماتیک ارائه شد و طبق نظر خبرگان، الگو از اعتبار مناسبی برخوردار بود، همچنین یافته‌های بخش کمی، حاکی از روابط علی بین اجزای الگو بود.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، بحران‌های آموزشی، دانشگاه‌های دولتی.

استناد: جولائی، آزاده؛ شیرزاد کبریا، بهارک؛ دلگشایی، یلدا؛ حمیدی‌فر، فاطمه (۱۴۰۲). ارائه الگوی سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران. *سیاست‌گذاری شهری و منطقه‌ای*، ۲(۸)، ۳۵-۵۰.

مقدمه

نهاد آموزش عالی کشور یکی از بخش‌ها و وزارتخانه‌های مهم کشور هستند و مسئولیت تربیت استعداد‌های جوان کشور را بر عهده دارند. بنابراین لازم است در دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزش عالی کشور محیط با کیفیتی فراهم شود که مهارت‌های موردنیاز به دانشجویان آموزش داده شده و ذهن‌های خلاق و نوآور شکل بگیرد (Roshan and Metousli, 2017: 92).

سیستم آموزش عالی در همه جهان دستخوش بحران‌های گوناگونی شده است، عواملی از قبیل محدودی‌های مالی، فقدان ارتباط میان محتوا و روش، مشکل اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی و ... که سیستم آموزش عالی را تحت فشار شدیدی قرار داده است. کشور ما، ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و دارای تنگناهای مزبور می‌باشد. یکی از مهم‌ترین راه‌های مواجهه با این مشکلات نظام آموزش عالی، خطامشی‌گذاری صحیح در این زمینه از طرف نهادهای سیاست‌گذار می‌باشد. افزایش تقاضای اجتماعی برای ورود به رشته‌های دانشگاهی و سیل مدرک‌گرایی در مهروموم‌های اخیر، بازار آموزش عالی را داغ و شکل‌گیری سریع و ناموزون مراکز و مؤسسات دانشگاهی را در پی داشته و در عین ناباوری با سیاست‌گذاری‌های غلط نیز حمایت شده است. طبیعتاً برآیند چنین روندی در رشد بی‌رویه مراکز دانشگاهی، باعث افت شاخص‌های کیفیت در نظام آموزش عالی کشور بوده است (Saed Mochshi, Nemat A. Azizi, 2019: 14). همچنین از مهم‌ترین چالش‌های آموزش عالی، اتلاف سرمایه‌های مالی و انسانی کشور به دلیل بی‌کیفیتی برودادها و تمایل نداشتن به جذب این منابع انسانی در سطوح جامعه، نبود نظام جامع نظارت، ارزیابی و اعتبارگذاری در عرصه آموزش عالی، کافی‌نبودن پویایی در نظام آموزش عالی برای پاسخگویی متناسب به نیازهای جامعه، کم‌توجهی به پرورش مهارت‌ها، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری در نظام آموزشی، گسست ارتباطات دانشگاه‌ها با مؤسسه‌های تحقیقاتی و جامعه پیرامون، فقدان جهت‌گیری‌های مرتبط با آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی‌های توسعه آموزش عالی، کمیت‌گرایی و فقدان کیفیت لازم آموزش دانشگاهی است. بدیهی است که برای برون‌رفت از چنین وضعیتی ضمن اهتمام بر تحلیلی آسیب‌شناسانه از وضعیت موجود، سیاست‌ها، مسیر و سازوکارهای توسعه آموزش عالی کشور به طور اساسی بازبینی شود و برای ارتقای سطح مهارت و کارایی دانش‌آموخته دانشگاهی مبتنی بر خطامشی توسعه در اسناد بالادستی نظیر سند چشم‌انداز کشور و تأکید بر نظام علمی و تحقیقاتی و بر پایه اولویت‌های آن تلاش و در راستای رفع چالش‌های پیشروی توسعه آموزش عالی اقدام کرد. (Saed Mochshi, Nemat A... Azizi, 2019: 16)

این امر مؤید این نکته است که نیل به مقصود و کسب توفیق در تحقق رسالت‌های علمی، آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها نیازمند بازنگری سیاست‌های این حوزه و بهره‌گیری از استراتژی‌های مؤثر برای پیشبرد برنامه‌ها و طراحی موردنظر است. بر این اساس نگاهی بر جایگاه و اعتبار جهانی آموزش عالی و مؤسسات دانشگاهی کشور به‌ویژه در مقایسه با تجارب آموزش عالی دیگر جوامع نشان می‌دهد که سیاست‌ها، استراتژی‌ها و رویکردهای توسعه‌ای در این حوزه از توفیق‌چندانی برخوردار نبوده و به دستاوردی آموزشی و پژوهشی نینجامیده است. هرچند این ناکارآمدی ریشه در علل و عوامل متعددی دارد که خود ناظر بر پیچیدگی و چندوجهی بودن نظام آموزش عالی است؛ اما در این بین تداوم تمرکز ساختاری در آموزش عالی کشور نه تنها در تبیین کامل با مبانی و بسترهای معرفتی مربوط است بلکه سبب شده است تا چابکی، کارآمدی، سرزندگی و قدرت هموردی علمی و آموزشی از مؤسسات دانشگاهی کشور سلب گردد (Azizi; 2017: 11).

باتوجه به مطالب بیان شده و اهمیت سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی، در مقاله حاضر سعی بر آن است تا با مطالعه، بررسی و شناخت بحران‌های آموزشی و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های اثرگذار بر آن، مناسب‌ترین الگوی سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران، بیان شود و به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

* سؤال اصلی

چه الگویی برای سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران می‌توان ارائه کرد؟

*سؤالات فرعی

- ۱- شرایط علی سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران کدامند؟
- ۲- مقوله پدیده‌محوری سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران کدامند؟
- ۳- زمینه‌های سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران کدامند؟
- ۴- عوامل مداخله‌گر سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران کدامند؟
- ۵- راهبردهای سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران کدامند؟
- ۶- پیامدهای سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران کدامند؟
- ۷- روابط علی بین عوامل شناسایی شده در الگوی سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران کدام است؟
- ۸- میزان اعتبار الگوی سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران چقدر است؟

مبانی نظری پژوهش

سیاست‌گذاری اغلب به‌عنوان یک تسمه نقاله تلقی می‌شود که در آن مشکلات ابتدا به‌عنوان یک مسئله مورد توجه قرار می‌گیرند، ذره‌های مختلف عمل بررسی می‌شود و خط‌مشی‌ها تعیین و توسط کارکنان اجرا و ارزیابی و تغییر و سرانجام بر اساس موفقیت یا شکست آن‌ها پایان می‌یابد. سیاست‌گذاری آموزشی یکی از نخستین فعالی‌های سیاست‌گذاری در حیطه اداره امور عمومی توسط دولت‌هاست، زیرا مبدأ جامعه‌پذیری و تحرک افراد جامعه به‌سوی دیگر سیاست‌ها به شمار می‌رود؛ حتی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی که عامل محوری توسعه محسوب می‌شود، نقطه آغاز از سیاست‌گذاری‌های آموزشی است چون فرهنگ‌پذیری با آموزش شروع می‌شود (Niaz Azari and others, 2010: 212). سیستم آموزش عالی در ایران مبتنی بر برنامه‌ریزی براساس دولت‌گرا است و دغدغه اصلی، بحث گسترش کمی آموزش عالی است. (Keshavarzadeh et al, 2015: 20). به اعتقاد جاودانی، در مدل سیاست‌گذاری کنونی آموزش عالی ایران، به دانش اجتماعی موجود، پژوهش‌های مستقل میدانی و مدل‌های تبیین و توضیح علی و علمی، توجه کمتری شده است. بازتاب وضع موجود عملکرد مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در نظام آموزش عالی ایران یا به طور کلی‌تر نظام علوم، تحقیقات و فناوری، در سطح کلان، حاکی از نوعی ناکارآمدی یا بد کارکردی در سطح‌های نهادی و ساختاری است و بیانگر کاستی‌ها و ناکارآمدی موجود در نهادهای تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز است (Amiri Farahabadi, 2015: 22).

در ایران نهادهای سیاست‌گذاری در نظام آموزشی به ترتیب عبارتند از:

الف) شورای عالی انقلاب فرهنگی که به‌عنوان بالاترین مرجع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور انجام وظیفه می‌کند.

ب) وزارت فرهنگ و آموزش عالی ایران (علوم، تحقیقات، فناوری) که برای بررسی و ارائه هدف‌های اساسی و خط‌مشی‌های کلی و برنامه‌ریزی در همه سطوح آموزشی و پژوهش‌های علمی و ایجاد هماهنگی میان آنها تشکیل می‌شود.

ت) دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی که زیر نظر هیأت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تشکیل می‌شوند.

ث) شورای عالی آموزش و پرورش که مرجع سیاست‌گذاری در حوزه وظایف آموزش عمومی و متوسطه در چارچوب سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات موضوعه است و سازمان اداری آن با بودجه و تشکیلات مستقل زیر نظر شورای عالی آموزش و پرورش فعالیت می‌کند. ریاست این شورا با ریاست جمهور است و در غیاب وی وزیر آموزش و پرورش ریاست آن را بر عهده خواهد داشت (Niaz Azari and others, 2010: 221).

ورداسبی در پژوهش خود به بررسی سیاست‌های لازم در انجام فعالیت‌های تحقیقاتی دانشگاه‌ها پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داد که منابع (پول، کارکنان، زمان) و قابلیت‌هایی مانند رقابت‌پذیری، ظرفیت نوآوری، توانایی تصمیم‌گیری و قابلیت‌های استراتژیک، متغیرهایی هستند که تحت تاثیر تغییرات حکمرانی و سیاست‌گذاری قرار می‌گیرند و پژوهش را با روش‌های مختلفی تحت تاثیر قرار می‌دهند (Vardasbi, 2016: 252).

قورچیان و احمدی‌رضائی در پژوهشی به ضرورت‌های سیاست‌گذاری و حکمرانی در دانشگاه‌های تراز اول جهانی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد ایجاد فرهنگ ممتاز و نهادینه شدن فرهنگ در یک سازمان از مهم‌ترین ویژگی‌های دانشگاه تراز اول است. این فرهنگ در طی زمان و در بخش‌های مختلف دانشگاه از جمله پژوهش، مدیریت دانشگاه، امور اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان، منابع مالی و سایر موارد شکل گرفته است، Ghorchian (and Ahmadi Rezaei, 2013: 117)

ولی اصل و دانایی فرد معتقدند برای رفع موانع ساختاری در سیاست‌گذاری آموزشی آموزش عالی، باید نهادهای متولی خط مشی‌گذاری و سیاست‌گذاری در آموزش عالی کشور کاهش یابد تا از این طریق اثربخشی آنها بیشتر شود. (Vali asl & Danaie fard, 2017: 610)

بحران را می‌توان وضعیتی دانست که در آن فرایند دگرگونی در نظام به شکلی است که استواری و تعادل نظام به شدت و با نتیجه‌ای نامطمئن به خطر می‌افتد و ضرورت اقدام هر چه سریع‌تر برای اعاده آن یا برقراری نظم مجدد احساس می‌شود. ، بحران‌ها «تهدیدهای حاد، عمومی و سخت برای یک سازمان و ذینفعان آن هستند» (Kennik et al, 2020: 140).

• جلایری لائین و همکاران پژوهشی تحت عنوان "چالش‌های پداگوژیکی معلمان مدارس ابتدایی در آموزش مجازی در دوره گسترش بحران کرونا: تجارب معلمان مناطق مرزی" انجام دادند. نتایج نشان داد که جهت عملکرد بهتر در مواجهه با بحران‌ها باید برنامه درسی ویژگی‌های خاصی را داشته باشد و تغییراتی در عناصر برنامه درسی ایجاد گردد؛ که به طور کلی تغییراتی هم‌چون انعطاف داشتن، توجه به تجارب بومی در محتوا و اهداف و تجارب یادگیری، از جمله پیامدهای کرونا برای معلمان و دانش‌آموزان شامل مواردی چون یادگیری هم‌زمان، تعامل در فضای مجازی است و چالش‌هایی هم‌چون آماده نبودن بستر و زیر ساخت‌ها و عدم آشنایی با سیستم‌های مجازی، چالش‌های پوشش دهی اینترنت و ... نیز از جمله چالش‌های کرونا در منطقه هستند. باید توجه داشت ایران کشوری دارای خرده‌فرهنگ‌های زبانی و قوم‌های مختلف است که بسیاری از این خرده‌فرهنگ‌ها در مناطق دوردست زندگی می‌کنند. با توجه به پیامدهای آموزش‌های مجازی برای دانش‌آموزان باید چالش‌های آن را نیز در نظر داشت چراکه مناطق محروم علاوه بر اینکه دسترسی کامل به امکانات فضای مجازی ندارند، بحث تخریب فرهنگ بومی آن‌ها نیز بحث مهمی است. با توجه به این که اسناد بالادستی ایران نیز توجه به حقوق آموزشی و فرهنگی اقلیم‌های بومی را مورد توجه قرار داده است، لذا با توجه به تجارب به دست آمده از بحران کووید در این مناطق لازم است تغییراتی در برنامه‌های درسی به وجود آید تا در مواجهه با بحران‌های آتی بتوان از برنامه درسی نسبی و منعطف در جهت بهبود عملکرد دانش‌آموزان اقداماتی مؤثر انجام داد و از پداگوژی معلمان این منطقه که اقدامات عملیاتی در ایام کرونا در این زمینه انجام داده‌اند، بهره برد (Jalari Lain et al, 2022: 273).

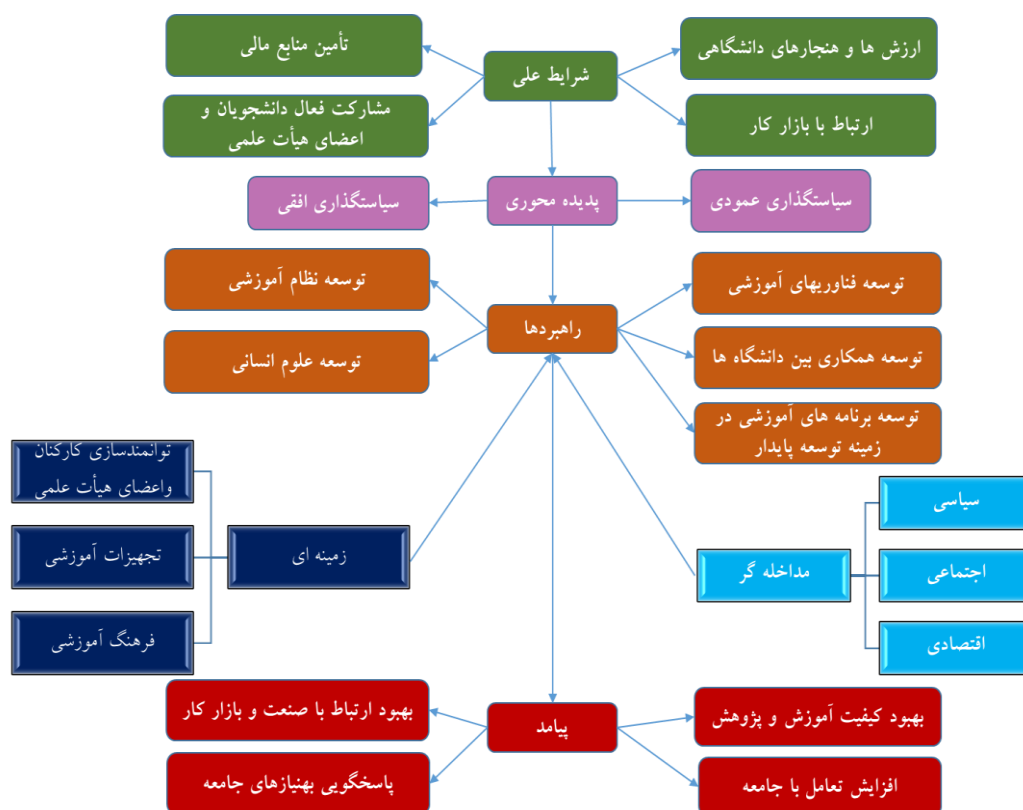
• پناهی و همکاران در پژوهشی به تحلیل تطبیقی آموزش عالی فرامرزی در کشورهای منطقه خلیج فارس با رویکرد قطب‌های بین‌المللی آموزش پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اگرچه اسناد بالادستی در ایران سال‌ها پیش‌تر معطوف به سیاست‌گذاری برای تبدیل شدن به قطب بین‌المللی آموزش بوده است ولی در عمل رویکرد برنامه‌ریزی اتخاذ شده از نوع انفعالی بوده و در عوض، سایر کشورهای مورد مطالعه از رویکردی فعال و استراتژیک بهره برده‌اند. بحرین برای تبدیل شدن به دو قطب بین‌المللی پذیرش دانشجوی خارجی و قطب نوآوری سیاست‌گذاری اقدام نموده، امارات متحده عربی نیز برای تبدیل شدن به قطب پذیرش دانشجوی خارجی برنامه‌ریزی کرده است. علاوه بر این، امارات متحده عربی با تغییر سیاست‌های صدور ویزا به دنبال جذب استعدادها و متخصصان دارای مدرک دکتری و تبدیل شدن به قطب بین‌المللی استعداد می‌باشد. همچنین قطر برای تبدیل شدن به دو قطب بین‌المللی استعداد و نوآوری سیاست‌گذاری نموده است (Panahi et al, 2019: 13).

• کیخا و ذاکر صالحی در پژوهشی به بازنمایی تطبیقی چشم‌انداز و سیاست‌های نهاد آموزش عالی در هفت کشور (چین، ژاپن، روسیه، آلمان، آمریکا، انگلستان و ایران) پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌داد جریان‌های قوی چون؛ بین‌المللی شدن، تضمین کیفیت، ارتباط با صنعت، استقلال فزاینده دانشگاه‌ها و تحول در شیوه‌های سنتی حکمرانی دانشگاهی؛ اکنون فقط مخصوص کشورهای توسعه یافته نیست. این جریان‌ها غالب در نظام‌های شرقی چون چین و ژاپن و کشورهای در حال گذار چون ایران و روسیه نیز مشهودند. تمایزهایی نیز که به چشم می‌خورد؛ علاوه بر این که از بافت تاریخی و فرهنگی اثر می‌گیرد، به مرحله توسعه و توان علم و فناوری کشورها مرتبط است. (Kikha and Zakersalehi, 2019: 16)

• محمدی‌زاد و همکاران در پژوهشی به تحلیل مقایسه‌های آموزش عالی پلی‌تکنیک ایران با کشورهای منتخب پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از این بود که روند توسعه آموزش پلی‌تکنیک در ایران نسبت به کشورهای منتخب کند و طولانی بوده است. هم‌چنین، بین کشورهای مورد مطالعه از لحاظ محتوای برنامه‌درسی و روش‌های تدریس تفاوت مشهودی وجود ندارد. تفاوت اصلی بین ایران و کشورهای مورد مطالعه، عدم توجه آموزش عالی پلی‌تکنیک ایران به نیازهای بازار کار و فقدان پیوند بین صنعت و آموزش عالی است (Mohammadizad et al, 2019: 205).

• ارشو و چرنیک پژوهشی با عنوان "سیاست آموزشی روسیه در حوزه آموزش عالی" انجام دادند. این پژوهش نشان داد که مشکلات آموزشی که در توسعه جامعه مدرن روسیه در اولویت اصلی قرار دارد، نیازمند تحول آموزشی سیستم مطابق با فرآیندهای جهانی شدن و همچنین تغییرات ساختاری در جامعه دارد. کلید موفقیت‌آمیز بودن سیاست آموزشی در منطقه، با توجه به نتایج مطالعه، در نظر گرفتن نسبت نیازهای آموزشی، فکری و پرسنلی بازارهای کار منطق‌های با نیازهای مردم در زمینه آموزش عالی می‌باشد (Arshu and Chernikh, 2021: 117).

• کائو، می و سان پژوهشی با عنوان "سیاست گسترش آموزش عالی، پیشرفت تحصیلی و نابرابری درآمد شهری: شواهدی از چین" انجام دادند. نتایج نشان داد که گسترش تحصیلی، دستیابی به تحصیلات را در چین افزایش می‌دهد و در نتیجه اختلاف درآمد را کاهش می‌دهد. از منظر سلسله مراتب شهری مختلف، به دلیل سیاست گسترش آموزشی، میزان تحصیلات در پکن، تیانجین و شانگهای به مراتب بالاتر از سایر مراکز استان‌ها و شهرهای سطح استان است. هر چه سلسله مراتب شهری بالاتر باشد، نابرابری درآمدی بیشتر با پیشرفت تحصیلی کاهش می‌یابد (Kao, May and Sun, 2019: 201).



شکل ۱ - الگوی نهایی پژوهش برگرفته از بخش کیفی و کمی

روش پژوهش

روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی برحسب نوع داده، آمیخته (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی برحسب زمان گردآوری داده، مقطعی و برحسب روش گردآوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، در بخش کیفی داده بنیاد با رهیافت سیستماتیک و در بخش کمی توصیفی - پیمایشی بود.

جامعه آماری پژوهش حاضر مشتمل بر سه بخش زیر است:

* سند کاوی اسناد و مدارک علمی: اسناد و مدارک علمی شامل کتب تخصصی، تحقیقات انجام شده، پایان نامه‌ها، مقاله‌ها برگرفته از پایگاه‌های داده داخل و خارج در زمینه سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ از طریق پایگاه داده‌های علمی، پایگاه داخلی: ایران داک، اس آی دی، ایران مدکس، مگ ایران، علم نت، نورمگز و سیویلیکا. پایگاه خارجی: وب آو ساینس، اسکاپوس، گوگل اسکالر، اریک، ساینس دایرکت، پروکوئست، آی اس آی، الزویر، ویلی آنالین لایبرری، اشپرینگر و جی استور.

* بخش کیفی: الف) خبرگان آکادمیک: اساتید رشته مدیریت بحران، مدیریت آموزشی و مدیریت دولتی در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ طبق ملاک‌های ورود: دارا بودن حداقل ده سابقه تدریس و تحصیل مرتبط با موضوع سیاست‌گذاری و مدیریت بحران؛ دارای مدرک دکتری تخصصی و عضو هیئت علمی در رشته مدیریت بحران و مدیریت آموزشی؛ تخصص و تجربه کافی در زمینه سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌ها نظیر تدوین مقاله، کتاب، طرح پژوهشی و ... ب) خبرگان سازمانی: روسای دانشگاه‌های دولتی، مسیولین ذی ربط وزارت علوم، سیاست‌گذاران آموزشی طبق ملاک‌های ورود: مسئولین ذیربط معاونت آموزشی دانشگاه‌های دولتی مسلط به موضوع

سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی که بیشتر از پنج سال در حوزه آموزش، ارزشیابی، برنامه ریزی درسی، مدیریت، سیاست‌گذاری و سابقه اجرایی داشته‌اند. تخصص و تجربه کافی در زمینه سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌ها نظیر تدوین مقاله، کتاب، طرح پژوهشی و ... دارای مدرک دکترا در رشته علوم تربیتی، مدیریت بحران و مدیریت دولتی گرایش سیاست‌گذاری؛

* بخش کمی: در این بخش جامعه آماری مورد پژوهش حاضر کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی استان تهران بودند. نمونه‌گیری پژوهش حاضر مشتمل بر دو بخش است: الف) بخش کیفی: در این پژوهش از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی از نوع هدفمند برای انتخاب مصاحبه شونده‌ها و بر اساس ملاک‌های ورود در پژوهش (که در بخش جامعه مورد مطالعه اشاره شد) استفاده شد. در این روش پایه انتخاب موارد نمونه توسط پژوهشگر با توجه به هدف‌های مطالعه و ماهیت تحقیق استوار است. لازم به ذکر است در این پژوهش ۱۸ مصاحبه شونده با توجه به اصل اشباع در نظر گرفته شد، یعنی مصاحبه شونده‌های شماره ۱۹ و ۲۰ کد جدیدی به مصاحبه‌ها اضافه نکردند و مصاحبه متوقف شد.

بخش کمی: درباره حجم نمونه در پژوهش‌های مربوط به روش تحقیق همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری نظرات گوناگون وجود دارد ولی همه بر این موضوع توافق دارند که مدل معادلات ساختاری شبیه تحلیل عاملی از فنون آماری است که با نمونه بزرگ قابل اجرا می‌باشد (Tabachnik and Fidell, 2013: 500) و حجم حدود ۲۰۰ نفر را برای برآزش مدل کافی دانسته‌اند. بنابراین حجم نمونه پژوهش حاضر با در نظر گرفتن توضیحات ذکر شده ۳۱۵ استاد از دانشگاه‌های دولتی بود که پرسشنامه در میان این افراد توزیع شد که ۳ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شد و عملیات آماری بر روی ۳۱۲ آزمودنی صورت گرفت. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش به دلیل پراکندگی جغرافیایی دانشگاه‌ها در استان تهران تصادفی خوش‌های مرحله‌ای بود. لازم به ذکر است در استان تهران ۲۸ دانشگاه دولتی از بین ۱۴۳ مرکز علمی و دانشگاهی وجود دارد. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوش‌های مرحله‌ای ابتدا در خوشه اول به صورت تصادفی در استان تهران از میان دانشگاه‌های دولتی ۹ دانشگاه به صورت تصادفی انتخاب و سپس در خوشه دوم از میان دانشکده‌ها در هر دانشگاه سه دانشکده به صورت تصادفی انتخاب و در نهایت پرسشنامه به نسبت در میان اساتید این دانشکده‌ها توزیع شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

در بخش کیفی این پژوهش از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. در مصاحبه‌های انفرادی با مصاحبه‌شوندگان، برای بررسی مقدماتی شش سؤال مصاحبه استفاده شد که این سؤال‌ها بر گرفته از موضوع، الگو و اهداف پژوهش بود. پژوهشگر پس از هماهنگی‌های لازم در محل کار مصاحبه‌شونده حضور یافته و با استفاده از ضبط صوت و با کسب اجازه از مصاحبه‌شونده مکالمات مصاحبه را ضبط کرد تا کدها را استخراج کند و البته این عمل بعد از هر بار مصاحبه صورت گرفت و پژوهشگر در مصاحبه ۱۹ و ۲۰ دریافت که کد جدیدی به کدهای قبلی اضافه نشد، بنابراین فرایند مصاحبه را با مصاحبه‌شونده بعدی ادامه نداد، البته به‌غیر از پژوهشگر یک متخصص آمار و یکی از اساتید دانشگاه درباره کدها نظر دادند. در حین مصاحبه به جمع‌آوری نظرات در مورد شاخص، مؤلفه‌ها و ابعاد اجزای الگوی سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی پرداخته شد و عوامل اصلی بررسی و نهایی شد. شایان ذکر است که مدت زمان انجام مصاحبه بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه بود و در تابستان سال ۱۴۰۱ انجام شد.

مرحله کمی پژوهش شامل دو پرسشنامه محقق ساخته الگوی سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی و پرسشنامه استاندارد سنجش اعتبار الگو است. در ادامه به توضیح این دو پرسشنامه پرداخته می‌شود:

الف: پرسشنامه محقق ساخته

۱) اطلاعات جمعیت‌شناختی: در سؤال‌های عمومی (اطلاعات جمعیت‌شناختی) هدف کسب اطلاعات کلی و جمعیت‌شناختی پاسخگویان است. این قسمت شامل سه مورد است و ویژگی‌هایی مانند جنسیت، سن و سابقه کار در آن مطرح شده‌اند.

۲) پرسشنامه محقق ساخته سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران: این پرسشنامه شامل ۹۶ گوی‌های با طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت است که با مرور مبانی نظری، پیشینه پژوهش و نیز نتایج مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته (با کدگذاری باز و محوری)، تدوین شده است.

ب: پرسشنامه استاندارد

سنجش اعتبار الگو این بخش شامل یک پرسشنامه بسته پاسخ برگرفته از الگوی ارائه شده در بخش کیفی بود که به منظور سنجش نظر خبرگان در رابطه با اعتبار الگو (روایی بیرونی) طراحی شد. برای ارزیابی الگوی طراحی شده چهار معیار اصلی در نظر گرفته شد: ۱- تطبیق؛ ۲- قابلیت فهم؛ ۳- قابلیت تعمیم؛ ۴- کنترل؛ همچنین کرسول (Creswell, 2005: 325) در خصوص روال پدید آوردن پروتوکول نیز سوالاتی را مطرح کرده و بیان داشته همان قدر که الگو مهم است، روال تهیه آن نیز می‌بایست از یک نظم خاصی پیروی کرده باشد. برای تعیین صحت یافته‌های کیفی از چندین راهبرد استفاده می‌شود مثل هم‌سو سازی، بررسی توسط اعضا، توصیف انبوه و غنی و ... که در این تحقیق برای تعیین صحت یافته‌ها از راهبرد "بررسی توسط اعضا" استفاده شد (Creswell, 2005: 325). بر این اساس الگوی نهایی طراحی شده به ۱۸ نفر از خبرگان آشنا به این حوزه برگردانده شد و پرسشنامه‌های در ابعاد مختلف با شش سوال در مقیاس لیکرت طراحی گردید و از شرکت‌کنندگان خواسته شد درستی نتایج را مورد بررسی قرار دهند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در بخش کیفی از طریق تحلیل مضمون (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) با نرم افزار Maxqda بود و در بخش کمی از آمار توصیفی و آمار استنباطی (مدلسازی معادلات ساختاری، تی تک نمونه‌ای و همبستگی پیرسون) استفاده شد.

معیارهای روایی و پایایی در مطالعات کیفی متفاوت از پژوهش‌های کمی است. در مطالعات کیفی برای بیان کیفیت مطالعه، معمولاً از اصطلاح موثق بودن استفاده می‌نمایند. در این مورد گوبا و لینکلن معیارهایی را ارائه کرده‌اند که در پژوهش حاضر مورد رعایت قرار می‌گیرد (Goba and Lincoln, 1982: 240).

به‌منظور تعیین روایی پرسشنامه از روایی ظاهری، محتوایی و سازه استفاده شد. در روایی ظاهری پرسشنامه‌ها قبل از توزیع توسط پژوهش‌گر، چند نفر از اعضای نمونه و برخی خبرگان دانشگاهی و مسئولین وزارت علوم مورد بررسی قرار گرفت. در روایی محتوایی در قالب یک روش دلفی و با کمک فرم‌های CVI و CVR و به کمک ده نفر از خبرگان شامل اعضای مصاحبه‌شونده، خبرگان دانشگاهی، چند نفر از آزمودنی‌ها و ... محتوای پرسشنامه از نظر سؤال‌های اضافی و یا اصلاح سؤال‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

پایایی: در این پژوهش پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی محاسبه می‌شود. مقادیر این دو ضریب برای همه متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایا بودن ابزار اندازه‌گیری بود.

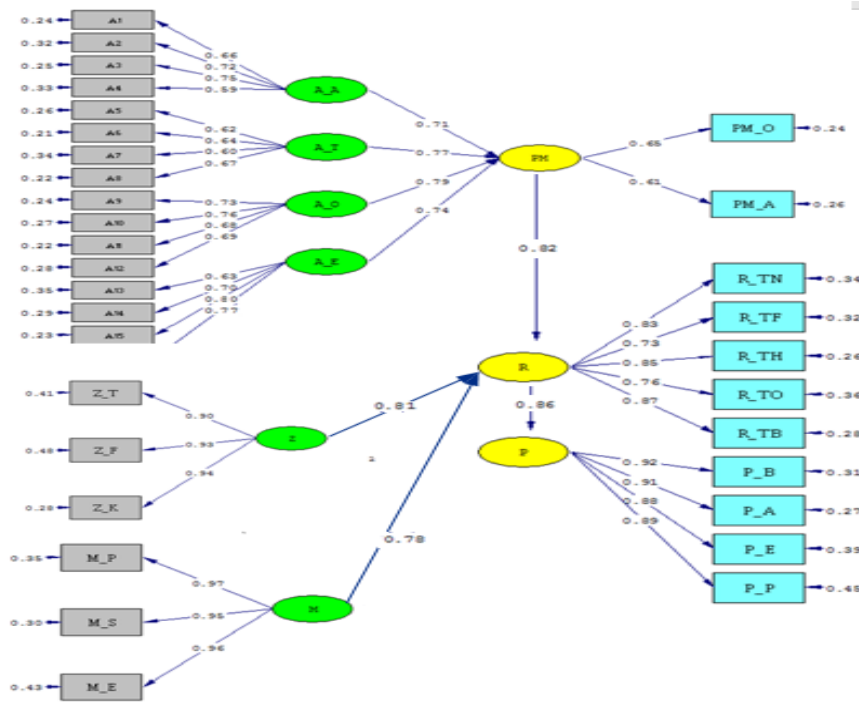
یافته‌ها

در جدول زیر، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به متغیرهای پژوهش نمایش داده شده است.

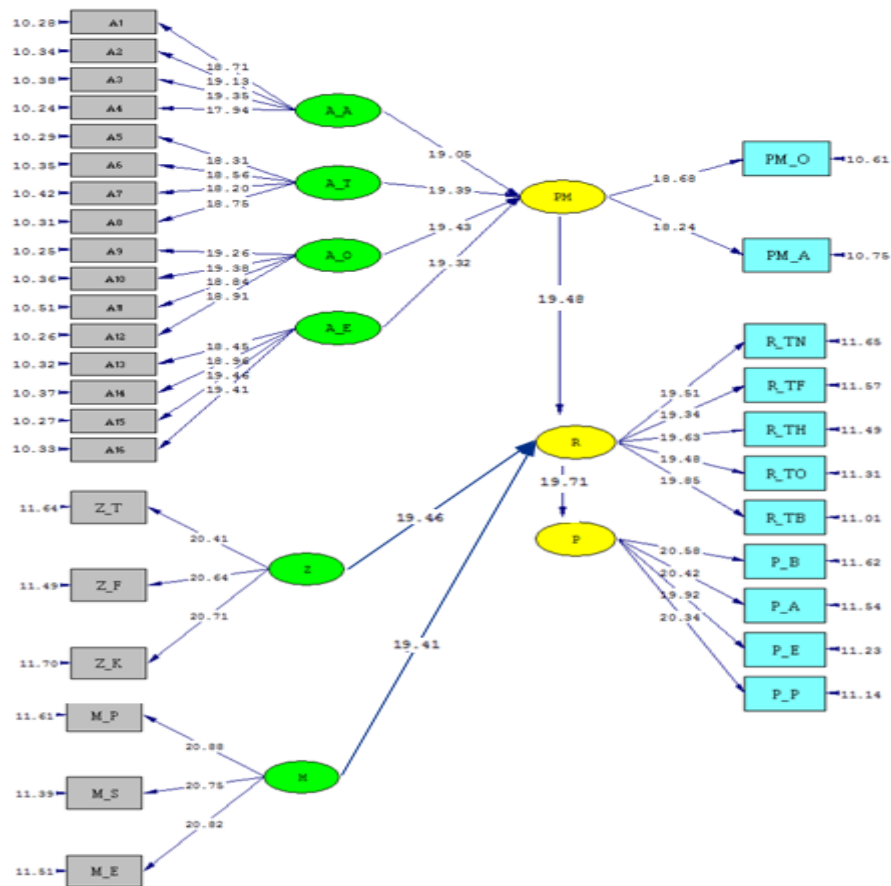
جدول ۱ - مشخصه‌های آماری متغیرهای پژوهش

سازه	مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
شرایط علی	ارزش‌ها و هنجارهای دانشگاهی	۲۲/۳	۷۹/۰	۰۲/۰-	۱۵/۰-
	تأمین منابع مالی	۲۷/۳	۷۵/۰	۰۴/۰-	۱۹/۰-
	مشارکت فعال دانشجویان و اعضای هیئت علمی	۳۴/۳	۷۶/۰	۰۵/۰	۰۷/۰
پدیده محوری	ارتباط با بازار کار	۱۹/۳	۷۷/۰	۰۳/۰-	۳۵/۰
	سیاست گذاری عمودی	۶۶/۳	۸۳/۰	۳۶/۰-	۱۱/۰-
زمینه‌ای	سیاست گذاری افقی	۱۴/۳	۸۱/۰	۱۸/۰	۳۷/۰-
	تجهیزات آموزشی	۱۵/۳	۶۹/۰	۰۸/۰-	۳۲/۰
	فرهنگ آموزشی	۱۷/۳	۷۴/۰	۱۶/۰-	۴۲/۰
مداخله گر	توانمندسازی کارکنان و اعضای هیئت علمی	۱۸/۳	۷۲/۰	۰۸/۰	۱۸/۰
	سیاسی	۱۲/۳	۸۲/۰	۱۱/۰	۱۰/۰
	اجتماعی	۲۱/۳	۸۵/۰	۰۸/۰-	۰۹/۰
	اقتصادی	۲۹/۳	۷۳/۰	۰۵/۰-	۱۹/۰
راهبردها	توسعه فناوری‌های آموزشی	۳۰/۳	۷۵/۰	۰۵/۰-	۵۴/۰-
	توسعه نظام آموزشی	۳۹/۳	۸۰/۰	۱۲/۰-	۰۹/۰-
	توسعه همکاری بین دانشگاه‌ها	۱۶/۳	۷۵/۰	۱۲/۰-	۲۶/۰-
	توسعه علوم انسانی	۱۳/۳	۸۱/۰	۱۲/۰	۰۹/۰
پیامدها	توسعه برنامه‌های آموزشی در زمینه توسعه پایدار	۳۲/۳	۷۱/۰	۰۶/۰-	۴۱/۰
	بهبود کیفیت آموزش و پژوهش	۲۷/۳	۸۶/۰	۰۹/۰-	۲۴/۰-
	افزایش تعامل با جامعه	۲۸/۳	۹۳/۰	۱۳/۰	۳۸/۰-
	بهبود ارتباط با صنعت و بازار کار	۲۳/۳	۷۸/۰	۰۶/۰-	۳۷/۰
	پاسخگویی به نیازهای جامعه	۳۲/۳	۸۴/۰	۱۱/۰-	۵۴/۰-

اطلاعات جدول فوق مشخصه‌های آماری هم‌چون میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی را برای متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. همچنین، با توجه به مقادیر چولگی و کشیدگی که در بازه‌ی معقول (۲- و ۲) برای حدس بر نرمال بودن داده‌ها قرار دارند، می‌توان فرض نرمال بودن داده‌ها را مطرح کرده و پذیرفت. در ادامه، به منظور بررسی روابط علی بین متغیرها از مدل معادلات ساختاری استفاده می‌شود. بدین منظور، پس از رسم ساختار، اضافه نمودن قیود مدل و انتخاب روش ماکسیمم درست‌نمایی، مدل اجرا شده و نمودار مسیر برازش شکل‌های زیر به دست آمد. شکل‌های زیر نمودار مسیر برازش شده به داده‌ها را نشان می‌دهد. برای بررسی برازش الگوی نهایی، پرسشنامه سنجش الگو برای تعیین درجه تناسب الگو به صورت طیف پنج درجه‌ای تنظیم و در اختیار ۱۸ نفر از متخصصان این حوزه قرار داده شد. سپس داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت.



شکل ۲ - الگوی اصلی در حالت ضرایب استاندارد



شکل ۳ - الگوی اصلی در حالت معناداری ضرایب

همان‌طور که در شکل‌های بالا نشان داده شده است، کلیه‌ی مقادیر پارمترهای مربوط به الگو به همراه بارهای عاملی و ضرایب مسیر نشان داده شده است. با توجه به مقادیر ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری تی به دست آمده در شکل‌های بالا (مقادیر تی بالاتر از ۲.۵۸) می‌توان چنین استنباط کرد که بین عوامل روابط مستقیم وجود دارد. همان‌گونه که شاخص‌های خی - دو و RMSEA نشان می‌دهند، الگو برازش مناسب‌تری را به داده‌ها ارائه می‌کند. خروجی‌های الگو در جدول زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲ - گزیده‌های از شاخص‌های برازش مهم الگوی ترسیمی

شاخص	نام شاخص	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	سطح تحت پوشش (کای اسکوتر)	-	۱۵۲۵/۹۸	
	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۷	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	۰/۹۶	بزرگ‌تر از ۰/۹
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۸	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص‌های برازش مقتصد	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۷۹	کمتر از ۰/۱

همان‌گونه که مشاهده می‌شود شاخص‌های برازش الگو در وضعیت مطلوبی قرار گرفته است. در جدول زیر، ضرایب مسیر به همراه مقادیر معناداری آورده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، همه مسیرها مورد پذیرش قرار گرفته شده است.

جدول ۳ - ضرایب مسیر، مقادیر معناداری و وضعیت آن‌ها

وضعیت	مقدار تی	ضریب مسیر	مسیر	
تأیید شد	۱۹/۰۵	۰/۷۱	←	ارزش‌ها و هنجارهای دانشگاهی
تأیید شد	۱۹/۳۹	۰/۷۷	←	تأمین منابع مالی
تأیید شد	۱۹/۴۳	۰/۷۹	←	مشارکت فعال دانشجویان و اعضای هیئت علمی
تأیید شد	۱۹/۳۲	۰/۷۴	←	ارتباط با بازار کار
تأیید شد	۱۹/۴۸	۰/۸۲	←	پدیده محوری
تأیید شد	۱۹/۷۱	۰/۸۶	←	راهبرد
تأیید شد	۱۹/۴۶	۰/۸۱	←	زمینه
تأیید شد	۱۹/۴۱	۰/۷۸	←	مداخله گر

در نهایت بر اساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های شناسایی شده که بر اساس مستندات پژوهشی و مصاحبه با خبرگان شناسایی شد و همچنین بر اساس مدل پارادایمیک داده بنیاد در بخش کیفی و همین‌طور نتایج بخش کمی الگوی مفهومی پژوهش ارائه گردید.

همچنین برای بررسی برازش الگوی نهایی، پرسشنامه سنجش الگو برای تعیین درجه تناسب الگو به صورت طیف پنج درجه‌ای تنظیم و در اختیار ۱۸ نفر از متخصصان این حوزه قرار داده شد. سپس داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت،

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین راه‌های مواجهه با این مشکلات نظام آموزشی آموزش عالی، خطمشی‌گذاری صحیح در این زمینه از طرف نهاد های سیاست‌گذار می‌باشد. در واقع برنامه ریزان و سیاست‌گذاران آموزش عالی با مطالعه، بررسی و ارزیابی سیاست‌ها، خط مشی‌ها و راهبردهای آموزش عالی قادر می‌شوند تا به بازنگری، اصلاح و یا آنکه خلق و تدوین برنامه‌های جدید مبادرت کنند. از اینرو ضروری است که آگاهانه و منتقدانه با تأکید بر رویکرد نظام‌مند، چالش‌ها و بحران‌های آموزشی آموزش عالی کشور شناسایی شوند و در مواجهه با آن‌ها نیز رویکرد نظام مند در برنامه‌ها و سیاست‌ها در نظر گرفته شود. به همین جهت پرداختن به سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی به‌عنوان راهکاری جهت تغییر، اصلاح و نوآوری در نظام آموزش عالی کشور، از اهمیت خاصی برخوردار است، در این پژوهش، داده‌های پژوهشی در خصوص گستره مفهومی، بررسی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی، راهبردهای مربوط به پدیده و پیامدهای آن، تحلیل و با نتایج مطالعات انجام شده مقایسه شده است. گرچه مطالعات و پژوهش‌های متعدد به بررسی سیاست‌گذاری در آموزش عالی پرداخته است، اما همچنان تعریف یا رویکرد جامعی در مورد سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی وجود ندارد و آنچه‌ای که در بخش مبانی نظری هم بیان شد، در هیچ‌یک از الگوهای سیاست‌گذاری ارائه شده به ابعاد، مهارت‌ها و فعالی‌های مورد نیاز برای سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی پرداخته نشده است. با علم به این شکاف مطالعاتی، در این پژوهش، کاوش فرآیند سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در آموزش عالی و توجه به ابعاد گوناگون آن از دید خبرگان آکادمیک، اعضای هیئت علمی و سیاست‌گذاران آموزشی، مد نظر پژوهشگران بوده است. یافته‌های این مطالعه حاکی از ۲۱ مقوله کلی است که پس از تحلیل یافته‌ها طی فرآیند کدگذاری باز و محوری در چارچوب مدل پارادایمی، ابعاد متفاوت سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در آموزش عالی را بازتاب می‌کند.

* در این راستا در خصوص عوامل تاثیر گذار بر سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در آموزش عالی (عوامل علی) یافته‌ها نشان داد که عوامل علی سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران شامل چهار مولفه ارزش‌ها و هنجارهای دانشگاهی، تأمین منابع مالی، مشارکت فعال دانشجویان و اعضای هیئت علمی، ارتباط با بازار است که ارزش‌ها و هنجارهای دانشگاهی، تأمین منابع مالی، مشارکت فعال دانشجویان و اعضای هیئت علمی و ارتباط با بازار هر کدام بطور جدا -گانه دارای چهار شاخص بودند. طی پژوهشی که جعفری و همکاران انجام دادند تأمین منابع مالی مناسب می‌تواند تأثیر مهمی بر سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران داشته باشد.

با تأمین منابع مالی کافی، دانشگاه‌ها می‌توانند بهبود کیفیت آموزشی، توسعه زیرساخت‌های آموزشی، جذب و حفظ استادان پژوهشگران ماهر و توانمند، و بهبود شرایط آموزش و پرورش دانشجویان، پرداخت حقوق و مزایای استادان و کارکنان و غیره را بهبود دهند. (Jafari and et al, 2018: 210)

رونقی و فیضی در پژوهشی نشان دادند، مولفه‌های مؤثر بر سیاست‌های آموزشی و فناوری دانشگاهی در ۶ حوزه اقتصادی، سیاسی، ساختاری، آموزشی، فناوری و قانونی قابل طبقه‌بندی هستند. (Ronaghi & Fazy, 2018:13)

* در خصوص ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران (پدیده محوری) یافته‌ها نشان داد که سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران شامل دو مولفه سیاست‌گذاری عمودی و سیاست‌گذاری افقی است که سیاست‌گذاری عمودی شامل ۸ شاخص و سیاست‌گذاری افقی شامل ۱۱ شاخص بود.

قادری و همکاران در پژوهشی نشان دادند سیاست‌گذاری مبتنی بر بازار کار در آموزش عالی در دو بعد عمودی و افقی بود. در پژوهشی نشان داده شد که سیاست‌گذاری‌های افقی و عمودی در آموزش عالی به موضوع مهم‌تری در

- دولت‌های مدرن تبدیل شده است، زیرا دانشگاه‌ها به طور فزاینده‌ای برای توسعه اجتماعی و اقتصادی اهمیت دارند .
(Qadri et al,2016:120)
- * در خصوص بسترهای اجرای سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران یافته‌ها نشان داد که این بسترها شامل تجهیزات آموزشی با ۷ شاخص، فرهنگ آموزشی با ۴ شاخص و توانمندسازی کارکنان و اعضای هیئت علمی با ۹ شاخص بودند.
- * یافته‌ها نشان داد که عوامل مداخله‌گر سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران شامل ۳ مولفه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند که هر کدام به طور جداگانه دارای ۳ شاخص بودند. برای اجرای موفق سیاست‌های مرتبط با مدیریت بحران در دانشگاه‌های دولتی استان تهران، باید به برطرف کردن موانع توجه شود و تلاش‌های لازم برای حل این موانع انجام شود. همچنین لازم است به موانع سیاسی اجرای سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران شامل نبود اراده سیاسی، تأخیر در اجرای سیاست‌های مرتبط، تأثیر قوانین و مقررات و تغییرات سیاسی اشاره کرد (Higher education statistics)
(.system of the country, 2020; National Crisis Management Headquarters,2021).
- در این خصوص، صاعدموچشی، عزیزی نشان دادند که اجرای سیاست‌های نادرست و برنامه‌هایی در افزایش ثبت نام در مراکز آموزش عالی، ایجاد مراکز علمی جدید، کمبود فضا و تجهیزات فناوری، سیل مدرک‌گرایی، افت کیفیت علم و دانش، بیکاری فارغ‌التحصیلان و شکاف بیشتر بین دانشگاه، صنعت و جامعه نمود یافته است. (Saed Mochshi,)
(Nemat A. Azizi , 2019: 14)
- * در خصوص راهبردهای اجرای سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران یافته‌ها نشان داد که راهبردها سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران شامل توسعه فناوری‌های آموزشی، توسعه نظام آموزشی، توسعه همکاری بین دانشگاه‌ها، توسعه علوم انسانی و توسعه برنامه‌های آموزشی در زمینه توسعه پایدار که هر کدام به طور مجزا دارای ۳ شاخص هستند. اجرای سیاست‌گذاری‌های مناسب در زمینه توسعه همکاری بین دانشگاه‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه‌های دولتی استان تهران کمک کند. به‌عنوان مثال، سیاست‌گذاری برای تشویق همکاری بین دانشگاه‌ها در زمینه تدوین برنامه‌های آموزشی مشترک، ایجاد برنامه‌های تبادل دانشجویان و تدوین قراردادهای همکاری می‌تواند در این راستا مؤثر باشد (Ghasemi et al,2019:15).
- * در خصوص پیامدهای سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران یافته‌ها نشان داد که عوامل تاثیرپذیر از سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران شامل بهبود کیفیت آموزش و پژوهش با ۴ شاخص، افزایش تعامل با جامعه با ۴ شاخص بهبود ارتباط با صنعت و بازار کار با ۳ شاخص و پاسخگویی به نیازهای جامعه با ۳ شاخص بودند. فرج الله رحیمی و همکاران طی پژوهشی نشان دادند که سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با بحران‌های آموزشی در دانشگاه‌های دولتی استان تهران می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر افزایش تعامل با جامعه داشته باشد (Farajullah Rahimi et al, 2022: 90) . با تدوین سیاست‌هایی که تعامل با جامعه را هدف دارند، دانشگاه‌ها می‌توانند ارتباطات خود با جامعه را بهبود بخشند و این امر می‌تواند به بهبود شرایط آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها کمک کند. با تدوین سیاست‌هایی که تعامل با صنعت و سازمان‌های مختلف را هدف دارند، دانشگاه‌ها می‌توانند با صنعت و بازار کار در ارتباط باشند و نیازهای آن‌ها را در طراحی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی خود مد نظر قرار دهند و با تدوین سیاست‌هایی که تعامل با جامعه را هدف دارند، دانشگاه‌ها می‌توانند نیازهای جامعه را در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی خود مد نظر بگیرند و این امر می‌تواند بهبودی مثبتی در کیفیت آموزش و پژوهش داشته باشد (Zarei et al, 2019: 21). کاسا، ایت سیم حمد و ریدچنکو در پژوهشی نشان دادند که ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری دانشگاه‌ها مشروط به دسترسی دانشگاه به بودجه و پذیرش

پرسنل تغییرات ساختاری و فرهنگی مرتبط با اجرای سیاست جدید خواهد بود. (Casa, IT Sim Hamad and Rydchenko, 2020:189)

پیشنهادات

- ایجاد یک شبکه همکاری و هماهنگی بین دانشگاه‌ها می‌تواند در مقابله با بحران‌های آموزشی موثر باشد. این شبکه می‌تواند اطلاعات و تجارب مربوط به مقابله با بحران‌ها را به اشتراک بگذارد و مکانیزم‌های همکاری و هماهنگی در زمان بحران را تعیین کند.
- دانشجویان و اعضای هیات علمی باید تشویق شوند تا در زمینه بحران‌های آموزشی تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام دهند. دانشگاه‌ها باید دوره‌ها و آموزش‌هایی برگزار کنند که به دانشجویان و اعضای هیات علمی کمک کنند تا مهارت‌ها و دانش لازم برای مقابله با بحران‌های آموزشی را بیاموزند.
- دانشگاه‌ها باید مهارت‌های کارآمد را در دانشجویان تقویت کنند. این مهارت‌ها می‌توانند شامل مهارت‌های فنی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های تیمی، مهارت‌های مدیریتی و مهارت‌های نوآوری باشند.
- دانشگاه‌ها باید سیستم‌های ارتباطی فعالی را برای دانشجویان و اعضای هیات علمی فراهم کنند. همچنین با جذب منابع مالی بیرونی از طریق حمای‌های دولتی، همکاری با صنعت و بخش خصوصی، و همچنین جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، منابع مالی خود را تقویت کنند. دانشگاه‌ها می‌توانند با برقراری همکاری‌های نزدیک با صنعت و بخش خصوصی، منابع مالی خود را تامین کنند.
- سیاستگذاران باید برنامه‌های آموزشی و آمادگی برای مدیران و پرسنل دانشگاه‌ها را، برای مقابله با بحران‌های آموزشی توسعه دهند. این آموزش‌ها باید شامل آموزش‌های عملیاتی، مدیریت بحران و ارتباطات بحرانی باشند.
- همچنین باید در توسعه و بهبود سامانه‌های ارتباطی در دانشگاه‌ها سرمایه‌گذاری کنند و دانشگاه‌ها را تشویق کنند تا با نهادهای مربوطه مشارکت کنند.
- سیاستگذاران باید فرآیندهای ارزیابی و بازبینی را در تمامی مراحل و اتخاذ تصمیمات مورد توجه قرار دهند و تلاش کنند تا دسترسی دانشجویان به منابع آموزشی را تسهیل کنند.
- برای مقابله با بحران‌های آموزشی، لازم است دولت سیاست‌های مناسبی را اجرا کند. دولت می‌تواند با افزایش بودجه‌های آموزشی، تسهیلات و تخصیص منابع مالی بیشتر به دانشگاه‌ها، بهبود وضعیت مالی آنها را تسهیل کند.

منابع

- Ali Keshavarzadeh , Mohsen Farhamini Farahani, 2015, design and validation of criteria and indicators for evaluating the quality of the curriculum of secondary schools in Iran: a case study; 20: 15-30.
- Arshu and Chernikh (2021) research entitled "Russian educational policy in the field of higher education; 117.
- Azizi n. (2017). reforms in higher education: a reflection on the challenges of university education in Iran. Tehran: research institute for cultural and social studies publications. (per sain); 11: 15-31
- Cao, Mei and Sun (2019) Research entitled "Higher Education Expansion Policy, Educational Attainment and Urban Income Inequality: Evidence from China"; 201.

- Carswell, Stevven B. (2005). Pathways to Delinquency: The Role of Parental Attachment, Dissertation P.H.D., The American University.
- Family Socio- Economic Status, and Deviant Peer Relationship in Risk Behaviors.
- Farajallah Rahimi ,Abdolhadi Darzian Azizi, yadollah Mehrali Zadeh ·Aliyeh Maleki (2022), Designing the employability model of university graduates: 87-114.
- Fatemeh Nasrollahi Nia, Fatemeh Vardasbi, Razieh Shahvardi, Mehin Fatahi, (2016). systematic content analysis of researches in the field of higher education in Iran; (case of study: articles of the quarterly magazine "Higher Education Letter"): 252.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1982). Epistemological and methodological bases of naturalistic inquiry. ECTJ, 30(4): 233-252.
- Gurchian, Nadergholi, and Ahmadi Rezaei, Hossein. (2013). governance of world-class universities; Necessity or need. Management Futures (Management Studies); 25(100): 23-34.
- Hassan Danaei Fard, Javad Vali Asl, Mechanisms for improving the quality of public policy in Iran: 601-633.
- Hemti Reza, Ghasemi; Vahid and Mansourinejad; Ibrahim (2019) Higher education and economic development; 15: 14-35.
- Jafar Amiri Farahabadi (2015), investigation of the impact of open data policy requirements on the synergy of policy-making institutions in Iran's education; 22: 11-32.
- Jafari, Alireza (2018). Analysis of the strategy caused by the anomalies of the market in exchange for returns; 210.
- Kikha, Ahmad and Zakersalehi, Gholamreza, (2019). comparative representation of the perspective and politics of higher education institution in seven countries of the world. Journal of Sociology of Social Institutions; 16: 12-30.
- König, a., graf-vlachy, l., bundy, j., little, l.m. (2020). a blessing and a curse: how ceos' trait empathy affects their management of organizational crises, acad, manag; 45: 130–153.
- Mohammadizad, s., Azizi, n., & Salehi omran, e., (2019). Comparative analysis of Iranian polytechnic higher education with selected countries. Iranian journal of comparative education; 2(4).
- Niazaziri, Kiyomarth; Esmaili Shad, Behrang and Rabiei Dolabi, Majid. (2013). Policy making and public policy process in the educational system, Ghaem Shahr, Mehral Nabi Publications; 221.

- Panahi, Maryam; Abbaspour, Abbas; Khorsandi Ta Sekouh, Ali and Ghiashi Nadu Shen, Saeed, 2019, comparative analysis of cross-border higher education in the countries of the Persian Gulf region with the approach of international poles of education, management and planning in educational systems; 13(2): 10-25.
- Qadery M, Mohammadian K, Keshavarz zadeh A, Ghasemi M, Rigi A, Saed L. (2018). To Identify the Effective Components on Policymaking based on Market-place in Iran's Higher Education. *ihej*; 10(3): 111-138.
- Rita kasa , ali ait si mhamed & viktoriya rydchenko. (2020). policy resources perspective , mapping the implementation of higher education funding reform in kazakhstan189
- Ronaghi; Mohammad Hossein, Fayzi; Kamran. (2018). Effective factors in educational policies and academic technology; 13: 11-25.
- Roshan, Ahmadreza and Motosali, Mahmoud. (2017). A stakeholder model based on good governance to improve the quality of the Ministry of Science, Research and Technology, Educational System Research Quarterly; 12(41): 100-81.
- Saed Mochshi, Nemat A... Azizi. (2019). A reflection on quantitative and qualitative aspects of policy making in Iran's higher education system; 14(16): 11-30.
- Shiva Jalairi Lain, Alireza Mehrabi, Hossein Jafari Thani, Mohsen Ayiti. (2022). Pedagogical challenges of primary school teachers in virtual education during the spread of the Corona crisis; 273.
- Tabachnick, b. g., fidell, l. s., & ullman, j. b. (2013). Using multivariate statistics; 6: 497-516).
- Vardasbi, Fatemeh. (2016). the role of higher education governance and policy-making in university research, the first conference on governance and public policy-making, Tehran, Sharif University of Technology - Research School of Science, Technology and Industry Policymaking, Sharif University of Technology - Sharif University of Technology, Governance and Policymaking Studies; 252.
- Zarei, Reza et al. (2019). Presenting the model of factors affecting the leadership competence of managers of Islamic Azad Universities; 21: 10-31.